

---

## شخصیت‌پردازی روشنفکر در نمایشنامه لبخند باشکوه آقای گیل (با تکیه بر رویکرد تحلیل مکالمه)

رکسانا دینانی دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه خوارزمی تهران

بهروز محمودی بختیاری دانشیار گروه هنرهای نمایشی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

---

### چکیده

محوریت زبان در متون نمایشی حضور و نقش سبک‌شناسی درام را به‌عنوان حوزه‌ای بین‌رشته‌ای میان کاربردشناسی و مطالعات نقد ادبی برای ارزیابی تخصصی‌تر گفتمان نمایشی برجسته کرده است. یکی از مهم‌ترین روش‌هایی که این حوزه برای واکاوی گفت‌وگوها برگزیده است، تحلیل مکالمه است. تحلیل مکالمه خود با به‌کارگیری شاخصه‌هایی چون نظام نوبت‌گیری، سیستم توالی و توزیع نوبت، منتقدان و پژوهشگران را برای سنجش و تبیین شخصیت‌های نمایشنامه بیشتر یاری می‌رساند. در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از این مولفه‌ها و با تکیه بر نظریات لوینسون و شگلاف، مبارزات فکری شخصیت روشنفکر در نمایشنامه *لبخند باشکوه آقای گیل* اکبر رادی موردبررسی قرار گرفته است. هم‌چنین نشان خواهیم داد که فراوانی اجرای توالی‌های غیرارجمت‌آزسوی شخصیت روشنفکر نشان‌دهنده بی‌میلی او به سازگاری و توافق با گروه مخالف است.

واژگان کلیدی: تحلیل مکالمه، سیستم توالی، نظام نوبت‌گیری، اکبر رادی، *لبخند شکوه آقای گیل*، روشنفکر.

## ۱. مقدمه:

اکبر رادی از نمایشنامه‌نویسانی است که در آثارش به دنبال طرح دیدگاه‌های اجتماعی خود به خلق شخصیت‌های گوناگونی می‌پردازد که هرکدام نماینده‌ی یک مرام فکری و فرهنگی خاص هستند. در این میان توجه ویژه‌ی رادی به شخصیت روشنفکر در سراسر آثارش نمایان است و **لبخند باشکوه آقای گیل** نمایشنامه‌ای است که به اعتبار بازی منحصره‌فرد رادی با این شخصیت (جمشید) مورد توجه این پژوهش واقع شده است. در این نمایشنامه، جمشید به‌عنوان روشنفکری تصویر می‌شود که در فرنگ درس خوانده، و خواهان تحول در نظام طبقاتی خانه است. سنخیت نداشتن او با شرایط حاکم در خانه به جایی می‌رسد که مهم‌ترین جدال نمایشنامه میان او و گروه مخالف در خانواده رخ می‌دهد. در آخر اوست که باید خانه را ترک کند و به گروه مخالف بسپارد. در واقع رادی در بسیاری از نمایشنامه‌هایش در برابر بحران روشنفکری معتقد است که در فضای خفقان‌آور جامعه‌ی سنتی هرگونه تلاش روشنفکر در زمینه‌ی اصلاح نافرجم می‌ماند (امیری، ۱۳۷۹: ۹۵). روشنفکرانی که تنها می‌توان بازتاب اندیشه‌ها و مبارزاتشان را در زبانشان جست‌وجو کرد. از طرفی، ماهیت نمایشگری زبان در متون نمایشی بستر مناسبی را فراهم کرده است تا برای دستیابی به نحوه‌ی پردازش شخصیت روشنفکر به کشف قابلیت‌های زبانی او بپردازیم. از این رو، رویکرد تحلیل مکالمه به‌عنوان یکی از روش‌های زبان‌محور در حوزه‌ی کاربردشناسی، با به‌کارگیری شاخصه‌هایی چون نوبت‌گیری، سبب توالی و توزیع نوبت‌ها بر تقابلات زبانی شخصیت‌ها و کشف ویژگی‌های زبانی آن‌ها پیوندی تنگاتنگ میان زبان نمایشنامه و شخصیت‌ها برقرار می‌کند؛ به‌گونه‌ای که می‌تواند منتقدان را برای تبیین و بررسی دقیق‌تر شخصیت‌ها یاری رساند. تاکید می‌کنیم که در نمایشنامه **لبخند باشکوه آقای گیل**، شخصیت جمشید با پیش‌فرض روشنفکری و تحصیل‌کردگی آفریده شده است. بنابراین در این مقاله قصد ما اثبات روشنفکری جمشید نیست؛ بلکه هدف این مقاله، دستیابی به شخصیت جمشید از طریق کاربرد نظریات گفتمانی شگلاف و لوینسون بر مکالمات اوست، و ادراک اینکه که آیا او شخصیتی منفعل است؛ یا اینکه بر اساس موازین تحلیل گفتمان، ناسازگاری، نافرمانی و سازش‌ناپذیری هم در شخصیت او مشاهده می‌شود.

اگرچه بسیاری از منتقدان به اهمیت زبان و حضور شخصیت روشنفکر در آثار رادی به‌طورمجزا اشاره کرده‌اند اما تاکنون به بررسی تجلی شخصیت روشنفکر در زبان او به‌صورت علمی نپرداخته‌اند و یا حداکثر به ذکر چند مورد از ویژگی‌های او بر اساس محتوای اثر مبنی بر «برج عاج نشین بودن» او بسنده کرده‌اند (یحیی پور و صادقی، ۱۳۸۹: ۱۶۲). در مقالاتی دیگر، شریف نسب و رون (۱۳۹۰) بر اساس تحلیل ساختاری نمایشنامه‌های رادی و نه بر اساس تحلیل شاخصه‌های کلامی شخصیت به بیان ویژگی‌های فکری و زبانی روشنفکر پرداخته‌اند و ثمنی (۱۳۹۰: ۱۳) هم شخصیت جمشید به‌عنوان «روشنفکری بی عمل» را رد کرده است و او را به‌عنوان «روشنفکری

متعهد دارای قابلیت‌های مثبت» معرفی کرده است. مطالعه حاضر در صدد بیان این ادعاست که اگر جمشید به حکم تعلقش به دهه پنجاه روشنفکری اهل عمل نیست، اما مبارزات فکری او که با ابراز اندیشه‌هایش در برابر نیروی مخالف متبلور می‌شود را نمی‌توان نادیده انگاشت. اگر جمشید در قربانی شدن خود سهیم است اما "او این قابلیت را دارد که به مثبت‌ترین شخصیت نمایشنامه مبدل شود" (ثمنی، ۱۳۹۰: ۱۳). لازم به ذکر است که مراد نویسندگان مقاله حاضر از «تحلیل زبانی»، تحلیل گفتمانی متن در چهارچوب نظرات ارایه شده توسط لوینسون (۱۹۸۳) و شگلاف (۲۰۰۷) است؛ بدین صورت که پس از نگاهی گذرا به نظریات از رهیافت تحلیل مکالمه، به واکاوی مکالمات جمشید در برابر هریک از اعضای نیروی مخالف می‌پردازد تا بتواند ویژگی‌های کلامی او را به‌طور عملی تبیین کند.

## ۲. تحلیل مکالمه<sup>۱</sup>:

آنچه ساختار مکالمه را شکل می‌دهد و آن را دارای خاصیت دراماتیک می‌کند، حضور اصول و قواعدی است که برای واکاوی و تحلیل مکالمه آگاهی از آن‌ها سودمند واقع می‌شود. راهبردهایی چون نظام نوبت‌گیری<sup>۲</sup> و توالی نوبت‌ها<sup>۳</sup>، توزیع و تغییر آن‌ها مباحث مهم در این رویکرد هستند. نظام نوبت‌گیری در مکالمه باعث توزیع و جریان کلام بین دو رکن اساسی تعاملات اجتماعی یعنی گوینده و شنونده می‌شود. بدین ترتیب گفت‌وگو یک نظام نوبتی است که در این فرایند، گوینده صحبت می‌کند، مکث می‌کند، سپس شنونده صحبت می‌کند و مکث می‌کند و تبادل گفت‌وگو به این ترتیب از سر گرفته می‌شود. در هر موقعیتی چنان‌که اختیار صحبت کردن از قبل تعیین شده باشد، هرکسی می‌تواند این اختیار را در دست گیرد که این امر را "نوبت‌گیری" می‌نامند (ثمنی، ۱۳۹۰: ۱۰۰، لوینسون، ۱۹۸۳: ۲۵۶؛ ریچاردز، اسچمت، ۲۰۱۰: ۶۱۳). با بررسی قواعد نوبت‌گیری کلام، به نظر می‌رسد که آنچه این تحلیل‌ها را در متون دراماتیک مورد توجه بیشتر سبک‌شناسان قرار می‌دهد، کشف میزان قدرت شخصیت‌ها در هر قسمت از اثر است. برای کنکاش پیرامون این موضوع می‌توان مدلی را که شورت (۱۹۹۸: ۱۴۹) با طرح سوالاتی ارایه داده است، در نظر گرفت:

— چه کسی در ابتدا آغازگر تبادلات مکالمه‌ای است و چه کسی پاسخ می‌دهد؟

— چه کسی بیشتر از همه صحبت می‌کند و کلام دیگری را قطع می‌کند؟

— چه کسی حق تعیین و انتخاب مخاطب بعدی را داراست و اختیار موضوع صحبت را در دست دارد؟

به این ترتیب کسی دارای قدرت بیشتر است که پاسخ تمام سوالات بالا باشد (ثمنی، ۱۳۹۰: ۱۰۰).

## ۲-۱. سیستم توالی:

سبک‌شناسی درام همیشه بر این نکته تأکید دارد که نوبت‌گیری در گفت‌وگوی نمایشی را باید به صورت جفت‌های مجاورتی<sup>۴</sup> در نظر گرفت (لوینسون، ۱۹۸۳: ۳۰۳، ریچاردز، اسچمت، ۲۰۱۰: ۱۲). تولید

نکردن نیمه دوم زوج هم‌جوار به‌عنوان پاسخ، خلاء مهمی در تعاملات تلقی می‌شود و بنابراین معنادار است. نیمه دوم زوج هم‌جوار همیشه بلافاصله بعد از نیمه اول قرار نمی‌گیرد. زیرا در توالی "سوال-پاسخ" تأخیر رخ می‌دهد و توالی "سوال-پاسخ" دیگری میان آن دو قرار می‌گیرد. یک زوج هم‌جوار داخل زوج هم‌جوار دیگر را "توالی ادخالی"<sup>۵</sup> می‌نامند (پول، ۱۳۸۷: ۱۰۳).

۲-۱-۱. ساختار ارجح<sup>۶</sup>:

جفت‌های هم‌جوار نمایانگر اعمال اجتماعی هستند و تمام اعمال اجتماعی که نیمه دوم جفت‌ها را تشکیل می‌دهند، یکسان نیستند. از لحاظ ساختاری، احتمال پذیرش درخواست یا پیشنهاد، بیشتر از احتمال رد آن است. این احتمال ساختاری رجحان نامیده می‌شود (پول، ۱۳۸۳: ۱۱۱؛ لوینسون، ۱۹۸۳: ۳۰۷). رجحان در حقیقت یگ‌الگوی قابل ملاحظه در سخنان فرد است نه یک خواسته شخصی. ساختار ارجح، نیمه دوم جفت‌های هم‌جوار را به صورت اعمال اجتماعی ارجح و غیرارجح<sup>۷</sup> دسته‌بندی می‌کند. ساختار ارجح عملی است که مورد انتظار گوینده و ساختار غیرارجح عملی است که برخلاف انتظار گوینده است و از لحاظ زبان‌شناختی نشانه‌دار هستند. این نیمه‌های دوم غیرارجح به صورت روش‌های زیر منتقل می‌شوند: (۱) پس از تأخیر قابل ملاحظه‌ای (۲) کاربرد عبارات مقدمه‌ای مانند: خب؛ اوه (۳) همراه با بیان علت غیرارجح بودنشان (لوینسون، ۱۹۸۳: ۳۰۸).

۲-۱-۲. توالی‌های اصلاح:

هنگامی که شخص B برای A شرایط بازگویی ارزیابی خود به‌نحوی بهتر را مهیا می‌کند، توالی‌های اصلاح پدیدار می‌شوند. گاهی اصلاح از سوی خود شروع و انجام می‌پذیرد که تحت‌عنوان خود اصلاحی خود آغازگر<sup>۸</sup> از آن یاد می‌شود. اما گاهی این خوداصلاحی از طرف شخص مقابل آغاز می‌شود و فرد گوینده آن را اجرا می‌کند که آن را خوداصلاحی دیگر آغازگر<sup>۹</sup> می‌نامند (لوینسون، ۱۹۸۳: ۳۴۴). یکی از انواع توالی‌های اصلاح، توالی دیگر آغازگر است که چون پس از نیمه اول یک جفت هم‌جوار می‌آید، آغاز توالی گسترده‌ای گنجاننده<sup>۱۰</sup> را می‌سازد و هنگامی که پس از نیمه دوم بیاید و نیمه دوم دیگری را برای پاسخ بطلبد، آغاز یک توالی پساگسترده‌ای<sup>۱۱</sup> را می‌سازد (شگلاف، ۲۰۰۷: ۱۴۹).

### ۲-۱-۳. توالی‌های اصلاحی دیگر آغازگر دال بر مخالفت<sup>۱۲</sup>:

همان‌گونه که پرسش‌ها، گفته‌ها و ارزیابی‌ها کنش‌های نامبرده را اجرا می‌کنند، می‌توانند وسیله‌ای برای انجام کنش‌های دیگر هم باشند. براین اساس هم توالی‌های اصلاحی دیگر آغازگر که به صورت سوالی بیان می‌شود با اجرای کنش پرسشی خود، خواهان اصلاح نیستند بلکه به‌طور ضمنی بیانگر مخالفت با گفته گوینده هستند. معمولاً پاسخ این توالی‌ها برای ایجاد سازش و

مصالحه است اما گاهی هم در جهت عقب کشیدن از حل مسأله و سازش حرکت می کنند. پاسخ منفی به این توالی‌ها، پاسخ‌های غیرارجح دیگری را به همراه می آورد و اختلاف هم‌چنان تداوم می‌کند (شگلاف، ۲۰۰۷: ۱۵۵، ۱۵۱).

در این بخش، با در نظر گرفتن شاخصه‌های تحلیل مکالمه به بررسی شخصیت روشنفکر می‌پردازیم. از آن‌جا که دو مؤلفه‌ی نظام نوبت‌گیری و سیستم توالی در مکالمات هم‌سوی یکدیگر حرکت می‌کنند و در پیشبرد دیگری نقش دارند، کاربرد آن‌ها به صورت مجزا بررسی نشده است. بلکه حضور و عملکرد آن‌ها در موازات هم در نظر گرفته شده است. هم‌چنین، تقابلات جمشید با هریک از اعضا به ترتیب حضورشان در صحنه واکاوی شده است.

### ۳. تحلیل مکالمه در لبخند باشکوه آقای گیل:

در پرده‌ی اول، جمشید با انتخاب نوع خاصی از توالی‌ها به‌گونه‌ای مکالمه با فروغ‌الزمان را آغاز کرده که شرایط را برای انتقاد کردن از او مهیا می‌کند. در اثنای مکالمات فروغ‌الزمان و مهرانگیز، جمشید حضور می‌یابد و با وجود بی‌اعتنایی فروغ‌الزمان، مکالمه را با طرح پرسشی که ربطی به بحث پیشین ندارد، آغاز می‌کند. پرسش او دارای نقش سوالی و در جهت کسب اطلاعات نیست بلکه پیش توالی نوبتی<sup>۱۳</sup> است که به منظور فراهم کردن شرایط انتقاد کردن و برای شکل دادن کنش انتقاد از فروغ‌الزمان - که در نوبت سوم اتفاق می‌افتد - او را به همکاری دعوت می‌کند. در واقع پاسخ فروغ‌الزمان در نوبت دوم شرایط به‌فعل رسیدن کنش بالقوه‌ی انتقاد در نوبت اول را فراهم کرده است (لویسون، ۱۹۸۳: ۳۴۵):

جمشید: باز هم یکی از این بچه‌های کسر آورده؟

فروغ‌الزمان: گدایی می‌کرد ابله! (رادی، ۱۳۸۳: ۶۴)

در این راستا، سوال جمشید دارای کنش "پیشنهاد موضوع"<sup>۱۴</sup> است و قصد دارد بحث را به موضوع مورد نظر خود - بی‌انصافی فروغ - بکشاند. انتظار می‌رود فروغ‌الزمان به‌عنوان مخاطب، این پیشنهاد را قبول یا رد کند. پاسخ‌های کوتاه و ارجح و نبود نشانه‌های انکار در جهت قبول پیشنهاد به‌کار می‌روند؛ ویژگی‌هایی که پاسخ فروغ‌الزمان دارا است. بر این اساس، در نوبت بعدی شرایط لازم برای اجرای توالی گسترده‌ی انتقاد برای جمشید مهیا شده است. (لویسون، ۱۹۸۳: ۱۶۹)

با وجود گفتارهای طولانی فروغ‌الزمان، نوبت‌گیری‌های کوتاه جمشید نقش کلامی او را در پیشبرد هدفش - انتقاد از فروغ‌الزمان - برجسته‌تر می‌کند. در برابر جفت هم‌جوار انتقاد و بیان علت که آغازگر آن جمشید بوده است، فروغ‌الزمان به مخالفت می‌پردازد و در طول گفتار طولانی از خود دفاع می‌کند (رادی، ۱۳۸۳: ۳۶). جمشید در طی دو نوبت کوتاه، گفتار طولانی فروغ‌الزمان را قطع می‌کند: "خب ابله! درسته، پرستیژ علمی تو بالاتر از ایناس! (رادی، ۱۳۸۳: ۳۶-۳۷)". اهمیت نوبت‌گیری‌های کوتاه جمشید از این جهت است که او سعی دارد نوبتی به خود اختصاص دهد و

حضور کلامی خود را برجسته کند (لویسون، ۱۹۸۳: ۳۲۴). جمشید در برابر دفاعیات فروغ الزمان از خود، توالی ارزیابی را پیش می‌گیرد که به دلیل همراهی با واژه‌ی "ولی" پاسخی غیرارجاج محسوب می‌شود. به علاوه، نقش کلامی جمشید می‌تواند بیانگر سبک بازدارنده<sup>۱۵</sup> باشد. زیرا که او مدام با نوبت‌گیری‌های کوتاهش روند پیشرفت صحبت فروغ را قطع کرده است (هرمن، ۱۹۹۵: ۱۴۰). در ادامه، جمشید با بیان واژه‌ی "پس" به‌عنوان یکی از نشانه‌های پیش‌خاتمه<sup>۱۶</sup> در صدد پایان موضوع مورد بحث فروغ است و همین‌طور برای یافتن موقعیتی برای انتقاد کردن از فروغ تلاش می‌کند (لویسون، ۱۹۸۳: ۳۴۵):

"جمشید: پس ما باید از آقای گیل خیلی ممنون باشیم،  
فروغ الزمان: - اوه، البته!.

جمشید: که املاکشو هفتاد میلیون تاخت زد تا من و تو و دوتای دیگه بر طفیلش  
بچریم و خوب که چاق و چله شدیم، دستامونو جلوی دماغمون بگیریم و میون  
این جماعت بزچرون نزول اجلال کنیم. (با گوشه‌ی چشمی به فروغ الزمان بلند  
می‌شود.) چیه؟ تعجب کردی؟" (رادی، ۱۳۸۳: ۳۸)

با در نظر گرفتن یکی از شاخصه‌های نظام نوبت‌گیری (تعیین کردن موضوع گفت‌وگو) جمشید نقش اساسی در انتخاب موضوع و هم‌خاتمه دادن آن ایفا می‌کند. در واقع جمشید خود موضوع دانشجویان فروغ و عملکرد او به‌عنوان استاد را پیش می‌کشد و حال با اجرای این توالی می‌خواهد آن را خاتمه دهد و مسیر بحث را به موضوع دلخواه خود که به‌چالش کشیدن فروغ الزمان است، جهت دهد. افزون‌براین، توالی ارزیابی او در جهت مخالفت با نظر فروغ الزمان و بنابراین پاسخی غیرارجاج است. در ادامه جمشید خود را ملزم به اجرای اصلاح و بیان علت در برابر فروغ الزمان نمی‌داند. در برابر توالی جمشید، فروغ الزمان توالی سرزنش را آغاز می‌کند و خواهان اصلاح اشتباه جمشید می‌شود. اما جمشید در نیمه دوم این توالی اشتباه قبلی خود را تکرار می‌کند و توالی او متقابلاً توالی اصلاح<sup>۱۷</sup> است. هم‌چنین در اجرای نیمه دوم آن، فروغ الزمان توالی سرزنش دیگری بیان می‌کند که در برابر آن جمشید از خود دفاع می‌کند و نقش سرزنش‌کننده<sup>۱۸</sup> او را پس می‌زند و در ادامه هیچ‌یک نیمه دوم توالی اظهار نظر دیگری که مخالفت/موافقت است را اجرا نمی‌کنند (هرمن، ۱۹۹۵: ۱۳۲):

"فروغ الزمان: تعجب می‌کنم که آدم sense یه مرد تربیت شده چطور بخودش  
اجازه میده یه همچو تلقی مبتدلی از مسائل داشته باشه، ولی تعجب نمی‌کنم  
عزیزم، که سر کار شخصیت علمی منو با کلمه چریدن مخدوش کنی.  
جمشید: شما خیلی بخودت احترام می‌ذارای خانم دکتر گیل!  
فروغ الزمان: من نرفتم پاریس یه چرخه دور برج ایفل بزنم و با یک دکترای

توریستی برگردم.

جمشید: من دکترای دوتی از «سربین» دارم...

فروغ الزمان: من پی.اچ.دی. از «هاروارد» گرفته م...

جمشید: خودت خوب می دونی این کار هر کره خری نیست.

فروغ الزمان: طلبه می خواد، طلبه می خواد که دوازده سال تو پانسیون های

دانشجویی ساندریچ سرد بخوره... (رادی: ۱۳۸۳: ۳۹)

این نوع تقابل میان جمشید و فروغ الزمان نماینگر سرسختی آن‌ها برای پذیرش نظر طرف مخالف است؛ به گونه‌ای که در برابر توالی‌های سرزنش و بیان علت دیگری، متقابلاً همین توالی‌ها را پیش می‌گیرند، تاجایی که بحث آن‌ها به هیچ توافقی نمی‌رسد. بنابراین بی‌اساس نیست اگر بگوییم نقش روشنفکر جمشید در برابر فروغ الزمان مغلوب و مطیع نیست (هرمن، ۱۹۹۵: ۸۸).

نمونه‌ی دیگر این ادعا را می‌توان در تقابل بعدی آن‌ها مشاهده کرد. با وجود اینکه فروغ الزمان نیمه دوم توالی اصلاح جمشید را رها می‌کند، جمشید در نوبت بعدی با افزودن سوال اصلاحی<sup>۱۹</sup> دیگر بر مخالفت خود با نظر فروغ می‌افزاید. این خود گویای عملکرد محکم اوست (هرمن، ۱۹۹۵: ۹۵):

"جمشید: سازمان؟"

فروغ الزمان: و این سازمانو تدریجاً در سطوح پایین هم گسترش بدیم.

جمشید: کدوم سازمان استاد؟ همون سازمانی که یه مشت ششلول بند حرفه ای از

طریق اساتید محترمی مثل شما دارن به دنیا تنقیه می کنن؟" (رادی، ۱۳۸۳: ۴۰)

در واقع، نخستین نوبت جمشید توالی اصلاح دیگر آغازگر دال بر مخالفت است. پاسخ این توالی معمولاً باید جهت‌دهی به‌سوی سازش باشد. اما در شرایطی که پاسخ فروغ غیرازاین است، انتظار می‌رود جمشید هم در مخالفت خود تعدیل ایجاد کند. با این وجود، او در نوبت بعدی جا نمی‌زند<sup>۲۰</sup> و با اطمینان بیشتری مخالفت خود را بیان می‌کند (شگلاف، ۲۰۰۷: ۱۵۳). از دیدگاهی دیگر با در نظر گرفتن پاسخ فروغ الزمان، می‌توان گفت گفته‌ی جمشید توالی انتقاد هم هست که در برابر آن فروغ الزمان هم متقابلاً توالی‌های انتقاد را پیش گرفته. نوبت‌گیری‌های بعدی جمشید در برابر آن‌ها هم، چون در جهت تمسخر و انکار آن‌هاست، غیرارجاج هستند:

"فروغ الزمان: آه، شقیقه هاه! (یک دم) مهم نیس. ما این مشکلو تو دانشگاه هم داریم.

اروپا دیده‌ها همیشه به ما تحصیلکرده‌های آمریکا کمپلکسه بودن.

جمشید: Olala!

فروغ الزمان: همیشه کار کمتری می‌کنن و ادعای بیشتری دارن.

جمشید: اینا اصل قضیه نیس ماماژل!" (رادی، ۱۳۸۳: ۳۹)

براین اساس می‌توان الگوی توالی بالا را این‌گونه ارایه داد:



جمشید: توالی انتقاد/ فروغ‌الزمان: توالی انتقاد متقابل

جمشید: پاسخ غیرارجح/ فروغ‌الزمان: تکرار توالی انتقاد/ جمشید: پاسخ غیرارجح مجدداً این نوع توالی توسط جمشید در برابر توالی‌های ارزیابی منفی فروغ‌الزمان به‌کار می‌رود و او هم‌چنان در حفظ موقعیت انکارکننده و مطلق خود در رویارویی با فروغ‌الزمان پافشاری می‌کند (شگلاف: ۲۰۰۷: ۱۵۳). جمشید که خود تعیین‌کننده موضوع این تقابل بوده حال سعی دارد آن را خاتمه دهد. او در برابر آخرین توالی انتقاد فروغ‌الزمان با انگشتانش روی چوب پیانو ضرب می‌گیرد (رادی، ۱۳۸۳: ۴۰). بر اساس آنچه شگلاف و سک بیان می‌کنند، اهمیت پاسخ‌های غیرکلامی کمتر از اهمیت پاسخ‌های کلامی نیست و حرکت فیزیکی شنونده پس از کلام گوینده می‌تواند به‌عنوان یکی از ابزارخاتمه دادن به موضوع موردبحث باشد (شگلاف، سکس، ۱۹۷۳: ۳۰۴). توالی بعدی جمشید هم با استفاده از عبارت "با همه‌ی این تفاضیل" توالی پیش‌خاتمه را ادامه می‌دهد، هرچند فروغ‌الزمان هم‌چنان موضوع موردعلاقه خود - معده‌ی جمشید - را پی می‌گیرد (رادی، ۱۳۸۳: ۴۱). آنچه حایزاهمیت است، مخالفت جمشید با فروغ است که توالی‌های غیرارجح در نوبت اول، پنجم و هفتم گویای آن است.

در نوبت‌های بعدی، ایفاکننده نقش غالب سرزنش‌کننده جمشید است و از آن‌جهت که فروغ‌الزمان توالی‌های بیان علت را رها و اشتباه خود را تکرار می‌کند و در مقابل جمشید با اجرای توالی‌های سرزنش<sup>۱</sup> و انتقاد تسلیم نمی‌شود، بحث آن‌ها به سازش ختم نمی‌شود. در ابتدای مکالمه آن‌ها، در برابر سوال فروغ‌الزمان که کنش انتقاد را ایفا می‌کند، جمشید توالی اصلاح را پی می‌گیرد و او را وادار به جبران اشتباه می‌کند. در واقع، آنچه در آخر فروغ‌الزمان را به اجرای توالی بیان علت و سکوت وادار می‌کند، اجرای متداوم توالی‌های انتقاد در نوبت‌های هشتم و دهم و هم‌چنین تکرار توالی‌های سرزنش در نوبت‌های چهارم، ششم، دوازدهم و چهاردهم است:

۱ فروغ‌الزمان: ... این برنامه‌های مخصوص شبانه جز یک سؤ‌هاضمه‌ی مزمن

چی رو ثابت می‌کنه؟ (توالی انتقاد)

۲ جمشید: (یکه‌خورده با مکث) تو منو زیر نظر داری؟ (توالی اصلاح)

۳ فروغ‌الزمان: وقتی هر شب به سایه‌ی سرگردان زیر درخت‌های بید پرسه

می‌زنه، من نمی‌تونم بی‌خیال بشینم و غرق مطالعه بشم. (تکرار اشتباه)

۴ جمشید: و ترجیح می‌دی توی تاریکی واستی و از پشت چنجره زاغ...

منو... بزنی؟ (توالی سرزنش)

۵ فروغ‌الزمان: نمی‌دونم، شاید ضمن پیاده‌روی مراسمی انجام می‌شه که بنده

اطلاعی ندارم! (تکرار اشتباه)

۶ جمشید: تو چرا دست از سرم بر نمی‌داری؟ (توالی سرزنش)

- ۷ فروغ الزمان: فرض کن دارم روت یه مطالعاتی می کنم. (تکرار اشتباه)
- ۸ جمشید: پس اون پیرزن چی؟ رود اون زنجیری بینوا هم داری مطالعه می کنی؟ (توالی انتقاد و ارزیابی منفی)
- ۹ فروغ: Ferme-La! (و باخشم روی پستی می کوبد) دیگه این حرف از دهنت در نیاد! (پاسخ غیرارجمت)
- ۱۰ جمشید: به اش شکلات می دی، براش قصه می گی با قرص های قوی می خوابونیش و بعد می ری پشت میزت می شینی، عینک تو می زنی و پرونده شو مرور می کنی. این شهوت علمی تورو اقناع نمی کنه؟ (توالی انتقاد)
- ۱۱ فروغ الزمان: صداتو سرزنش! (پاسخ غیرارجمت)
- ۱۲ جمشید: با من چی کار داشتی؟ (توالی سرزنش)
- ۱۳ فروغ الزمان: می خواهم یه ساعتی سر تو از اون لاک در بیاری... (توالی بیان علت)
- ۱۴ جمشید: که این جا منو شکنجه کنی؟ (توالی سرزنش) (رادی، ۱۳۸۳: ۴۲)

در این قسمت با حضور علیقلی خان مکالمه مختصری میان او و جمشید رخ می دهد که در ابتدای آن علیقلی خان او را با سوالی مورد خطاب قرار می دهد. جمشید وظیفه پاسخ دهی را به فروغ الزمان واگذار می کند: "علیقلی خان: ... موضوع چیه؟ چی کارش کردی پسر؟ چی شده؟/ جمشید: (می نشیند) از خودش پرسین (رادی، ۱۳۸۳: ۴۳)". در این بخش جمشید صحنه را ترک می کند و در طول زمانی که مکالماتی بین فروغ الزمان و علیقلی خان در مورد وضعیت جمشید رخ می دهد، او غایب است. تا اینکه با گذشت سی صفحه از نمایشنامه این مکالمات با ورود جمشید خاتمه می یابد و مکالمات او با علیقلی خان آغاز می شود.

به طور کلی، آن ویژگی کلامی که به کرات در تقابل جمشید و علیقلی خان مشاهده می شود، ارایه پاسخ های غیرارجمت جمشید در برابر توالی های علیقلی خان است. در نخستین رویارویی آن ها، جمشید با توالی سرزنش علیقلی خان مواجه می شود که در نیمه دوم آن بیان علت را دنبال می کند (رادی، ۱۳۸۳: ۳۷). اما پاسخ او به همراه نشانه هایی چون مکث، عبارتی برای مقدمه چینی مانند "خب دیگه" غیرارجمت است (لویسنون، ۱۹۸۳: ۳۳۳). در نوبت بعدی علیقلی خان نیمه سوم توالی - ارزیابی<sup>۲۲</sup> را رها می کند و توالی اصلاح را آغاز می کند و از جمشید توضیح می خواهد. با این حال جمشید در نیمه دوم این توالی اشتباه خود را اصلاح نمی کند و بر آن صحنه می گذارد: "علیقلی خان: خیلی دستپاچه ای آقا. / جمشید: (با پیپ به قلبش میزند.) شاید حس ششم باشه، یا تله پاتی... (رادی، ۱۳۸۳: ۳۷)". شاید ویژگی های کلامی علیقلی خان بر اساس نوع توالی هایش نشانگر قدرت و حاکمیت او باشد، اما نقش جمشید به عنوان فردی که باید اساساً مانند دیگر اعضا تابع آقای گیل باشد، به گونه ای دیگر ارایه شده است؛ پاسخ های

غیرارجحش، پاسخ‌های مورد قبول علیقلی خان را برآورده نمی‌کند و هم‌چنان اختلاف میان آن‌ها پابرجا می‌ماند (هرمن، ۱۹۹۵: ۸۸).

این نوع توافق نداشتن میان آن‌ها را به‌وضوح می‌توان در چگونگی کاربرد توالی‌ها توسط جمشید دنبال کرد. جمشید نوعی پیش‌توالی را به‌کار می‌گیرد که درخواستی برای شروع صحبت کردن است و کنش شروع مکالمه را به‌طور بالقوه به‌دنبال دارد و قرار است در نوبت سوم در صورت توافق علیقلی خان، بالفعل برسد:

"جمشید: مزاحم اوقات شریف شما که نیستم.

علیقلی خان: فکر می‌کردم اومدی حال منو بپرسی.

جمشید: آگه لازم باشه، البته خودتون از یه جایی شروع می‌کنین."

(رادی، ۱۳۸۳: ۷۹)

نه‌تنها توالی علیقلی خان به‌همراه داشتن عبارتی چون "فکر می‌کردم" پاسخی غیرارجح در جهت رد درخواست جمشید است، بیانگر توالی اصلاح هم محسوب می‌شود؛ زیرا که درخواستی برای بیان علت اجرا نکردن توالی احوالپرسی<sup>۳</sup> از سوی جمشید است. در نوبت سوم برخلاف آنچه انتظار می‌رود، جمشید رفع خطا نمی‌کند و توضیح قابل‌قبولی برای کنش غیرارجحش ارائه نمی‌دهد (لوینسون، ۱۹۸۳: ۳۳۶). افزون‌براین، توالی اصلاح علیقلی خان به یکی از اصول تعاملی - احوالپرسی در بدو ورود اشاره دارد که آن دو بر سر آن توافقی ندارند (هرمن، ۱۹۹۵: ۱۳۳).

این توافق نداشتن بر سر اصول ارتباطی مانند مرتبط سخن گفتن، در ادامه‌ی تعاملاتشان وقتی چشمگیر می‌شود که جمشید هم‌چنان در اجرای آن امتناع می‌ورزد و به‌طبیع، تابعیت خود از آقای گیل را انکار می‌کند. در این بخش، نوبت علیقلی خان ساختار اذعان‌کننده<sup>۴</sup> دارد و در حکم توالی کنش پیشنهاد موضوع عمل می‌کند (شگلاف، ۲۰۰۷: ۱۷۰-۱۶۹): "در این صورت می‌تونی بگی موضوع بحث مون چی بود" (رادی، ۱۳۸۳: ۷۹). در واقع، علیقلی خان پیشنهادی ارائه داده است مبنی بر این که در مورد بحث قبلی خود با فروغ‌الزمان صحبت کنند. آنچه در مورد واکنش جمشید اهمیت دارد این است که آیا او دستیابی خود به آن موضوع را اذعان یا انکار می‌کند؟ آیا پاسخ او تاییدکننده اطلاعات او در مورد بحث مورد نظر است یا انکارکننده؟ پاسخ‌های جمشید که در ادامه خواهد آمد هیچ‌یک از نشانه‌های منفی را ندارد پس به‌نوعی صحبت کردن در مورد موضوع پیشنهادی را قبول کرده است (شگلاف، ۲۰۰۷: ۱۷۱):

"جمشید: (طرف کتابخانه می‌رود) رژیم غذایی آقای سورنا!

علیقلی خان: نه!

جمشید: دکوراسیون عمارت چطور؟ مثلاً اون گلدون‌های سورو کجا بذارین

که نمای بیشتری به سالن بده.

علیقلی خان: چرند می گی!

جمشید: پس... درباره‌ی بیمارستان شرکای ارجمندمون مذاکره می کردین، درباره‌ی اون کلنگ طلائی یا چک درشتی که خیلی معصومانه دست به دست شد... اینم نه؟ (کتابی بیرون می کشد).  
علیقلی خان: تو همیشه یجوری از چنگ اصول در رفتی و مسائلو با ریشخند و کنایه ماستمالی کردی (رادی، ۱۳۸۳: ۷۹).

اما با در نظر گرفتن توالی‌های ارزیابی منفی علیقلی خان در برابر هر توالی پاسخ جمشید به این نکته می توان پی برد که پاسخ‌های او با اظهار بی‌اطلاعی از موضوع غیرارجح هستند. هر چند پاسخ‌های کوتاه نشانه‌ی رد کردن و غیرارجحیت است اما گاهی بسط دادن توالی‌های پس از پیشنهاد موضوع دلیل بر ادامه ندادن و رد کردن پیشنهاد است (لویسون، ۱۹۸۳: ۱۷۲).

قابلیت سازش‌ناپذیری توالی‌های جمشید زمانی آشکارتر می شود که او سه مرتبه نقش سرزنش‌کننده‌ی علیقلی خان را بی‌اثر می‌گذارد هنگامی که در برابر توالی‌های اصلاح خطای خود را جبران نمی‌کند (رادی، ۱۳۸۳: ۷۹). و هم‌چنین در برابر آخرین نوبت علیقلی خان که توالی شکایت، بیان علت/جبران است جمشید نیمه دوم آن را اجرا نمی‌کند و در مقابل توالی شکایتی دیگر را ارایه می‌دهد: "من به قدر کافی با اصول متعالی شما دست و پنجه نرم کردم قربان. حالام ملاحظه می فرمایین، اسلحه‌ی من فقط یک کتاب کوچکه" (لویسون، ۱۹۸۳: ۱۷۲).

توالی غیرارجح جمشید هم‌چنان در مقابل توالی ارزیابی علیقلی خان - نظرش در مورد فروغ‌الزمان - دوباره به کار می‌رود؛ هنگامی که او ظاهراً با به‌کارگیری واژه‌ی "بله" با نظر علیقلی خان موافقت می‌کند، در عوض ارزیابی تمسخرآمیزی در جهت انکار ارزیابی علیقلی خان از فروغ ارایه می‌دهد: "علیقلی خان... تمام این مدتو رو این پارک خم شده مثل یک مرد داره از من محافظت می کنه./ جمشید: بله منم مردی شو با اون چند تا تار مو روی چونه‌ی مامازل دیده‌م! (لویسون، ۱۹۸۳: ۸۱)"

در دنباله‌ی این بخش اختلاف میان آن‌ها به سازش ختم نمی‌شود زیرا که جمشید خود در اجرای نیمه دوم توالی سرزنش و توالی‌های اصلاح علیقلی خان پاسخ‌های غیرارجیحی را برمی‌گزیند که به‌نوبه‌ی خود توالی‌های غیرارجح دیگری را به همراه می‌آورد (شگلاف، ۲۰۰۷: ۱۵۵):

"علیقلی خان: تو هنوز که هنوزه آدم نشدی آقا.

جمشید: من دین خودمو ادا کرده‌م قربان.

علیقلی خان: کجا؟ پشت اون پنجره؟ یا با اون هفتا شغلی که ظرف دو سال عوض کردی؟

جمشید: آگه نتونم با دنیای شما کنار بیام، ترجیح می‌دم پشت اون پنجره بشینم



جمشید: جدی؟! (توالی اصلاحی دیگر آغازگر دال بر مخالفت) (رادی،

۱۳۸۳: ۸۳-۸۲)

به‌طور قطع، مدیریت جمشید در انتخاب موضوع و مخاطب در این بخش حاکی از ضعف او نیست. در این گفتار نوبت علیقلی‌خان را به خود اختصاص می‌دهد و با ورود فروغ‌الزمان جمشید این اختیار را به خود می‌دهد که با آغاز کردن توالی روشن‌سازی<sup>۲۵</sup>، او را وارد بحث کند و از او در مورد مشکل پیش‌آمده توضیح بخواهد: "در این صورت، خوشوقت می‌شم آگه مامازل با توضیحات بلیغ شون متنی برما بذارن" (رادی، ۱۳۸۳: ۸۳-۸۲). افزون‌براین، در پاسخ توالی دیگر اصلاحی دال بر مخالفت فروغ‌الزمان، جمشید به‌ظاهر پاسخ ارجح "بله" را می‌دهد و به‌دنبال آن سوالی می‌پرسد که در حکم توالی دیگر اصلاحی مخالفت است (رادی، ۱۳۸۳: ۸۴). جمشید به‌عنوان اجراکننده نیمه دوم توالی اصلاح، مخالفت را خاتمه نمی‌دهد و برحفظ موقعیت خود پافشاری می‌کند. بدین ترتیب، به دنبال آن شاهد توالی‌های پساگسترده‌ی مخالفت از سوی هردوی آن‌ها هستیم (شگلاف، ۲۰۰۷: ۱۵۵).

نوع نوبت‌گیری جمشید در ادامه هم تأکید بر ادعای پیشین است؛ در موقعیتی که فروغ‌الزمان نوبت بعدی را به علیقلی‌خان اختصاص داده است، جمشید نوبت را می‌قاپد<sup>۲۶</sup>، سکوت علیقلی‌خان را به خود نسبت می‌دهد و در گفتار طولانی توالی سرزنش دیگری را از سر می‌گیرد:

"فروغ‌الزمان: شما هیچی نمی‌گین؟ (علیقلی‌خان در جواب فقط بلند می

شود.)

جمشید: پونزده هزار متر زمینو با بیست و یک اتاق تواین منطقه ی بیلاقی بلا استفاده انداخته یین که مثلا پارک داشته باشین... با این همه این آدم های نگوینخت از گرگو میش صبح تا نیمه های شب می دوتن و مشغول خدمتگزاری و تشریفات و انجام وظیفه ن..." (رادی، ۱۳۸۳: ۸۵)

از این قسمت تا به پایان این پرده، بی‌اعتنای جمشید به گفتارهای فروغ‌الزمان زمانی پدیدار می‌شود که در برابر آن‌ها تنها پیاپی می‌نوازد. این پاسخ غیرکلامی به‌عنوان حرکت فیزیکی ست که شگلاف و سکس از آن به‌عنوان ابزاری برای پیش‌خاتمه یاد می‌کنند (شگلاف، ۱۹۷۳: ۳۰۴). بنابراین تلاش جمشید برای خاتمه دادن به موضوع بحث می‌تواند نشان‌دهنده بی‌میلی و بی‌اعتنایی او به آنچه مورداهمیت فروغ‌الزمان است، باشد.

در همان ابتدای پرده آخر، جمشید از توطئه‌های فروغ‌الزمان و نورالدین در مورد خود با خبر می‌شود و با عملکرد خود در برابر توالی‌های گوناگون آن‌ها به‌طور مصمم‌تر به مخالفت می‌پردازد. هرچند در برابر توالی‌های روشن‌سازی و سرزنش جمشید، آن دو بی‌پاسخ می‌مانند (رادی، ۱۳۸۳: ۱۱۵)

اما جمشید برای اجرای توالی سرزنش اول، نوبت فروغ‌الزمان را به خود اختصاص داده است و در برابر توالی اصلاح نورالدین هم جبران خطا نکرده است و توالی سرزنش دیگری را پیش گرفته است (رادی، ۱۳۸۳: ۱۱۶) با وجود اینکه فروغ‌الزمان در دو توالی با ادعای جمشید مخالفت می‌کند اما جمشید هم در برابر آن‌ها ارزیابی‌های غیرارجیحی ارائه می‌دهد و ادعاهای پیشین خود را تأیید می‌کند. او در برابر آخرین ارزیابی غیرارجیح فروغ‌الزمان در یک طول گفتار طولانی توالی سرزنش را پیش می‌گیرد و حتی خود نیمه دوم توالی اصلاح را اجرا می‌کند. در واقع، غیرارجیح‌ترین گزینه که آغازگر و اجراکننده اصلاح دیگر، گوینده - جمشید - باشد را پیش می‌گیرد (لویسنسون، ۱۹۸۳: ۳۳۹):

"جمشید: (به ترتیب نقش پرخاشگرانه پیدا می‌کند.) تو آدم نکته سنجی هستی استاد، تو اینو خوب می‌دونستی. البته ظاهر تو حفظ می‌کردی و به روی خودت می‌آوردی؛ اما در خفا از مصاحبت مارنج می‌بردی. چرا؟ برای اینکه جاه طلبی تو قوی تر از اون بود که رابطه ی بی‌آلایش مارو تحمل کنی... (مکث، نگاه.) بله! تو با این سیاه بازی و نقشه ها طوری اونو توی چنگت گرفتی که در واقع پیش تو بازی می‌کرد... (رادی، ۱۳۸۳: ۱۱۷)

در واقع، جمشید در برابر توالی‌های غیرارجیح و اصلاح فروغ‌الزمان، توالی ارزیابی‌های غیرارجیح خود را تکرار می‌کند و به اصلاح خطای خویش نمی‌پردازد. سعی گوینده در جبران خطایش که می‌تواند از طریق بازگویی گفته خود<sup>۲۷</sup> به شیوه دیگر باشد، نشان‌دهنده تمایل او به سازش و توافق است؛ شیوه‌ای که جمشید آن را تا به حال برنگزیده و تسلیم نشده است (لویسنسون، ۱۹۸۳: ۳۲۷). حتی او در اثنای نوبت طولانی‌اش مکث می‌کند و فرصتی برای صحبت به فروغ‌الزمان اختصاص می‌دهد اما سکوت او را به خود اختصاص و توالی را ادامه می‌دهد. فروغ‌الزمان این بار هم در برابر توالی سرزنش جمشید، شخص دیگری را خطاب قرار می‌دهد و خود را عقب می‌کشد (رادی، ۱۳۸۳: ۱۱۷، ۱۱۵، ۸۴).

در نوبت‌های بعدی، جمشید در برابر صحبت‌های فروغ‌الزمان و نورالدین سکوت می‌کند تا جایی که حتی نیمه دوم توالی سوال - پاسخ نورالدین را هم با بی‌اعتنایی رد می‌کند (رادی، ۱۳۸۳: ۱۱۸) که خود هم پاسخ غیرارجیح محسوب می‌شود و هم از آن جهت که نوبت اختصاص داده به او را رد می‌کند، نمایانگر سبک بازدارنده و قوی اوست.

این نوع مدیریت در نوبت‌گیری را می‌توان در دیگر واکنش جمشید در مقابل توالی سوال نورالدین مشاهده کرد (رادی، ۱۳۸۳: ۱۱۸). هنگامی که نورالدین با سوالاتش توالی پیش‌اعلام<sup>۲۸</sup> را اجرا می‌کند و نوعی پیشنهاد برای اعلام خیر ارائه می‌دهد، جمشید نیمه دوم این توالی که موافقت/مخالفت است را بی‌پاسخ می‌گذارد و تمایلی به شنیدن این خیر نشان نمی‌دهد (لویسنسون، ۱۹۸۳: ۳۵۴).

اوحتی پس از سکوتی نسبتاً طولانی در برابر گفتار طولانی نورالدین و فروغ‌الزمان بخشی از صحبت آن‌ها را مغتنم می‌شمرد و نوبتی به خود اختصاص می‌دهد و از گفته‌های آن‌ها نتیجه‌گیری می‌کند (رادى، ۱۳۸۴: ۱۲۴، ۱۱۹). در واقع شنونده برای سهیم کردن خود و پیدا کردن نوبتی در گفت‌وگو در صدد تشخیص بخشی از سخن گوینده که به‌طور بالقوه اجرای توالی دوم را می‌طلبد، برمی‌آید. بدین ترتیب، جمشید با بیان واژه‌های "و حالا..." و "پس" توالی‌های خاتمه را به‌کار گرفته و حضور خود را در برابر گفتار طولانی آن‌ها برجسته کرده است (لویسون، ۱۹۸۳: ۳۲۴). توالی‌های دیگر جمشید هم می‌تواند گویای ادعای ذکر شده باشد زیرا بیشتر آن‌ها توالی‌های سرزنش و اصلاح هستند و هم‌چنان به‌عنوان دارا بودن نقش سرزنش‌کننده و طلب‌کننده اصلاح مورد توجه است: "متشکر ماما! ایده آل بزرگ تو این بود؟" / "اینم تو گاو صندوق بود؟" / "آفرین کفنشم که باز کردین!" / "پس تمام این صحنه‌ها از پیش طراحی شده بوده" (رادى، ۱۳۸۳: ۱۲۳). حتی در برابر توالی انتقاد فروغ‌الزمان شاهد توالی‌های سرزنش و اصلاح هستیم "جمشید: داری منو به کلینیک دعوت می‌کنی؟" (توالی سرزنش) / "یعنی کاسبیت انقدر خرابه؟" (توالی اصلاح) / "و تومی خوی از من یه حیوان بی‌عقده درست کنی مثل خوک؟" (توالی سرزنش) (رادى، ۱۳۸۳: ۱۲۵).

آنچه در این بخش قابل ملاحظه است، مدیریت خاص جمشید در سیستم توالی است به‌گونه‌ای که او با موافقت ظاهریش موضوع مورد نظر فروغ‌الزمان را خاتمه داده<sup>۹</sup> و موضوع خود را ارایه می‌دهد:

"فروغ‌الزمان: به هر جهت کلینیک من یا جای دیگه، فرق نمی‌کنه، تو فعلا

داری یه دوره‌ی روحی رو سپری می‌کنی.

جمشید: (جهنده بلند می‌شود). خیلی خب چکش تو بیار، لوله چراغ هم

یادت نره. آخه تمام ابهت کلینیک تو به اینه که چند تا چکش به زانوی من

بزنی و مردمک منو توی نور معاینه کنی. بعدشم آبدزک! نمی‌خوای مغز منو با

آبدزک بکشوی توی لابراتوارت آزمایش کنی؟" (رادى، ۱۳۸۳: ۱۲۵)

توالی فروغ‌الزمان توالی کنش کلامی غیرمستقیم<sup>۳۰</sup> است که در آن جمشید را به‌طور غیرآشکارا به کلینیک دعوت می‌کند. براین اساس از جمشید انتظار می‌رود که این دعوت را بپذیرد یا رد کند. هرچند همراهی پاسخ جمشید با عبارت موافقت "خیلی خب" ظاهراً ارجح است اما او از این رهگذر، پاسخ ارجح را به‌صورت غیرارجح بیان کردن؛ توالی‌های سرزنش و اصلاح را در پیش گرفته است (شگلاف، ۲۰۰۷: ۶۷-۶۶) هم‌چنین در بخشی دیگر، از همین رهگذر، توالی سرزنش را پی می‌گیرد (رادى، ۱۳۸۳: ۱۳۵-۱۳۴)

سکوت‌های طولانی جمشید در برابر توالی‌های سرزنش فروغ‌الزمان هم از سه منظر حایز اهمیت است (رادى، ۱۳۸۳: ۱۳۱-۱۲۹-۲۸). از طرفی نقش سرزنش‌کننده فروغ‌الزمان را رد کرده است زیرا



در برابر او بخش دوم توالی سرزنش را بی پاسخ رها می کند؛ بنابراین نقش سرزنش کننده فروغ الزمان بی اثر می ماند. از سوی دیگر، براساس نظر یول و برون "سکوت به عنوان یک پاسخ، عکس العملی افراطی به منزله عدم شرکت در مکالمه است" (رادی، ۱۳۸۳: ۱۱۴)؛ که خود بی میلی جمشید به صحبت های فروغ الزمان را نشان می دهد. از دیدگاه سوم، از آن جهت که سکوت، پاسخ مورد انتظار توالی های سرزنش فروغ الزمان نیست، غیرارجح محسوب می شوند (لویسنون، ۱۹۸۳: ۳۳۶).

در این راستا، پاسخ جمشید در برابر توالی اصلاح فروغ الزمان در یک طول نوبت کوتاه هم غیرارجح به حساب می آید، زیرا که مخالفت خود را بدون به کارگیری یکی از عناصر نشانه‌ی مخالفت بیان کرده است (لویسنون، ۱۹۸۳: ۳۳۳) و افزون بر این پاسخ در جهت جبران خطای مورد نظر توالی اصلاح نیست بلکه خود یک ارزیابی غیرارجح در جهت نفی نظرات فروغ الزمان است: "فروغ الزمان... ببینم این نابغه ی متوسط القامه، فرانکوفیل عزیز ما در این یه ساله چه کرده؟/ جمشید: «این بوزینگان خوشمزه را بنگر که چگونه ور می جهند و یکدیگر را به سوی کثافات پرتاب می کنند...» (رادی، ۱۳۸۳: ۲۹)".

پاسخ های غیرارجح جمشید تا جایی پیش می رود که نورالدین را از داشتن طول گفتار طولانی و انتخاب موضوع گفت و گو محروم می کند: "نورالدین: لابد اطلاع داری که فردا اول وقت طوطی و طاهرو می فرستیم «گیلده»./ جمشید: ولی قطعاً کلیه های طاهر به خاطر خرده فرمایش های من از کار نیفتاده (رادی، ۱۳۸۳: ۱۳۱)". جمشید با پیش گرفتن این توالی غیرقابل انتظار و بنابراین غیرارجح در برابر پیش توالی اعلام خبر نورالدین موضوع پیشنهادی از سوی او را به صورت معلق رها کرده و موضوع دلخواه خود را پیش کشیده است. درحقیقت، پاسخ جمشید باید پیش توالی نورالدین را که خواستار دریافت اجازه برای تحقق آن است را بپذیرد و شرایط اجرای آن در نوبت بعدی را با موافقتش فراهم کند. اجرای نیمه دوم این پیش توالی از طرف جمشید نوعی اعتبار بخشیدن به خبری است که نورالدین قرار است آن را ادامه دهد. با این حال، سوال جمشید در برابر پیشنهاد نورالدین به مثابه اصلاح اما وسیله ای برای بیان مخالفت خود با آن پیشنهاد است که چندین بار در برابر توالی های بعدی نورالدین تکرار می شود (شگلاف، ۲۰۰۷: ۱۵۱-۱۵۳). اجرای این توالی که به عنوان نیمه دوم توالی نورالدین پذیرفتنی نیست، گفته او را بی ارزش می کند و بحث را به موضوع دلخواه خود که انتقاد کردن از آن هاست، سوق می دهد. از دیدگاه نظام نوبت گیری گوینده پیش توالی اعلان، با کاربرد این توالی در خواست داشتن نوبت و گفتاری طولانی را دارد که جمشید با این نوع پاسخ گویی دستیابی او به گفتار طولانی را غیرممکن می سازد (لویسنون، ۱۹۸۳: ۳۴۹).

در ادامه این تقابل، عملکرد پاسخ های غیرارجح جمشید در برجسته کردن سازش ناپذیری او با گروه مخالف قوی تر است. او با به کارگیری توالی اصلاح دیگر آغازگر دال بر مخالفت، توالی های مخالفت دیگر را به همراه می آورد و تمایلی به سازش با نورالدین نشان نمی دهد: "برم پیش آقا؟ (توالی

اصلاح دیگر آغازگر دال بر مخالفت)... برم پیش پای اون نعش زانو بزنم و برای گناهان کبیره م استغفار کنم؟ نه! (جام را بر میدارد و از پشت پیانو بلند می شود). ولی چرا! این کارو می کنم. بخاطر بی کسی، بی پناهی و مظلومیتش این کارو می کنم: اون جا، سر خاک... (رادی، ۱۳۸۳: ۱۳۹). جمشید مخالفت خود را با استفاده از واژه‌ی نفی "نه" به صورت آشکار و بدون کاربرد عنصری که شدت مخالفت را کاهش بدهند، ارایه داده است. یکی از ویژگی‌های رایج و محوری پاسخ‌های ارجح ایجاد مصالحه/توافق میان نیمه اول و دوم جفت هم‌جوار است زیرا این جفت‌ها هم‌جوار هستند و با قرار دادن بخش‌هایی در میان آن‌ها می‌توان پیوستگی میانشان را برقرار کرد. با این وجود پاسخ‌های غیرارجح جمشید پیوستگی و اتحاد میان گفته‌ها را ایجاد نکرده است؛ این خود بی‌تمایلی جمشید به برقراری سازش با گروه مخالف را بیان می‌کند (شگلاف، ۲۰۰۷: ۱۳۹). در آخرین تقابلات میان آن‌ها و در پاسخ ارزیابی نورالدین، جمشید پاسخ غیرارجح خود را ادامه می‌دهد و حتی برای آن هم بیان علت می‌کند (شگلاف، ۲۰۰۷: ۶۵). اگر استفاده از بیان علت به‌عنوان یکی از راه‌های تخفیف میزان شدت مخالفت در پاسخ‌های غیرارجح به‌کار می‌رود، در این‌جا توضیحات و بیان علت جمشید وسیله‌ای برای ایجاد شدت مخالفت‌هایش به‌کار برده شده است (لویسون، ۱۹۸۳: ۱۷۳).

در پایان ضرورت دارد عملکرد جمشید بر اساس شاخصه‌های نوبت‌گیری ارزیابی شود. با وجود اینکه نوبت‌های طولانی به فروغ‌الزمان اختصاص داشته در این میان نمی‌توان این حقیقت را از نظر دور داشت که آغازگر گفت‌وگوها، تعیین‌کننده‌ی موضوع و مخاطب بعدی گفت‌وگوها و قطع‌کننده‌ی کلام شخصیت روبه‌روی جمشید بوده است و چنین می‌توان استنباط کرد که در کلیت اثر، جمشید به‌عنوان روشنفکر عملکردی منفعل و ضعیفی در برابر گروه مخالف خود نشان نداده است.

#### ۴. نتیجه‌گیری:

برآیند رویکرد تحلیل مکالمه در نمایشنامه *لبخند باشکوه آقای گیل*، شخصیت روشنفکر را سازش‌ناپذیر و چالش‌آفرین در برابر گروه مخالف معرفی کرده است؛ تداوم پاسخ‌های غیرارجح مانند سکوت، ارزیابی‌های منفی و توالی‌های پساگسترده‌ای مخالفت در مکالمات جمشید با جفت‌های کلامی‌اش حاصل این سنجش است. بر اساس نظام نوبت‌گیری، جمشید خود آغازگر مکالمات است و این آغازگری را با اجرای توالی سوال که دارای کنش پیشنهاد موضوع است، پی می‌گیرد و موضوع و مخاطب بعدی را تعیین می‌کند. تاجایی که نوبت اختصاص داده‌شده به او توسط علیقلی‌خان را رد می‌کند و آن را به فروغ واگذار می‌کند. به دنبال آن، آنچه سبک بازدارنده را به‌عنوان یکی از ویژگی‌های کلامی جمشید تعیین می‌کند، قطع کردن کلام فروغ و کند کردن روند صحبت اوست. با در نظر گرفتن شاخصه‌ی سیستم توالی در راستای شاخصه‌ی مذکور، جمشید در جایگاه شروع‌کننده‌ی گفت‌وگو توالی‌های مقدمه را به‌کار می‌گیرد و خود با بهره‌گیری توالی‌های پیش‌خاتمه در صدد پایان دادن به آن موضوع برمی‌آید و مسیر بحث را به موضوعی دیگر منحرف

می‌سازد تا شرایط برای اجرای توالی‌های انتقاد مهیا شود. جمشید با پافشاری در اجرای توالی‌های انتقاد و اصلاح در برابر توالی‌های سرزنش فروغ‌الزمان، او را به سکوت و بالاخره به اجرای نیمه دوم توالی اصلاح وادار می‌کند. در حالی که جمشید در برابر بسیاری از توالی‌های اصلاح و سرزنش فروغ‌الزمان اجرای نیمه دوم را رها می‌کند، نقش سرزنش‌کننده او را به رسمیت نمی‌شمرد و خود را ملزم به جبران خطا نمی‌داند. هرچند ویژگی‌های کلامی گروه مخالف نشان‌دهنده قدرت آن‌هاست، اما جمشید با اختیاراتی که در مدیریت نوبت‌گیری و توالی‌ها برای خود برگزیده است، برخلاف دیگر اعضا مطیع و فرمان‌بردار آن‌ها نیست. او در برابر بسیاری از کنش‌های پیشنهاد موضوع، پاسخ رد می‌دهد، بر سر اصول کلامی مانند مرتبط سخن گفتن با علی‌قلی‌خان توافقی نشان نمی‌دهد، در برابر توالی‌های قضاوت، توالی‌های ارزیابی منفی و در برابر توالی‌های سرزنش و اصلاح متقابلاً همین توالی‌ها را اجرا می‌کند. در جایی که انتظار می‌رود از شدت موقعیت انکارکننده‌اش بکاهد، بر شدت آن می‌افزاید و توضیحی هم برای توالی‌های غیرارجحش ارائه نمی‌دهد. سکوت‌های نسبتاً طولانی جمشید در برابر گفته‌های این گروه به‌عنوان عملکردی غیرارجح و افراطی به‌منزله بی‌میلی او به شرکت در مباحث آن‌هاست. با در نظر گرفتن تأثیر کلی توالی‌های غیرارجح می‌توان چنین گفت که در این پاسخ‌ها از زبان و زمان بیشتری نسبت به پاسخ‌های ارجح استفاده می‌شود و استفاده بیشتر از زبان موجب ایجاد فاصله بیشتر بین نیمه اول و دوم و به‌طبع، تداوم اختلاف و ناسازگاری میان گوینده و شنونده می‌شود. تحلیل راهکارهای زبانی به‌کارگرفته‌شده مؤید این ادعاست که عملکرد روشنفکر رادی لزوماً و تماماً منفعل نیست و این حوزه از کاربردشناسی زبان این قابلیت را فراهم ساخت تا شخصیت مبارز و سازش‌ناپذیر روشنفکر تبیین شود.

#### ■ پی‌نوشت‌ها

- ۱- Conversation Analysis
- ۲- Turn\_taking
- ۳- Turn\_sequencing
- ۴- Adjacency pairs
- ۵- Insertion sequence
- ۶- Preference Organization
- ۷- Dispreferred pair part

- ۸- Self\_repair initiator
- ۹- Other\_initiated Self\_repair
- ۱۰- Insert expansion
- ۱۱- Post\_expansion
- ۱۲- Disagreement\_implicated other\_initiations of repair
- ۱۳- Pre\_sequence Turn
- ۱۴- Topic\_proffering Sequencing
- ۱۵- Deflective
- ۱۶- Pre\_terminal sequence
- ۱۷- Counter\_repair
- ۱۸- Role of reproacher
- ۱۹- Repair other\_initiated
- ۲۰- Standing firm
- ۲۱- Reproach\_account\_evaluation
- ۲۲- Evaluation Slot
- ۲۳- Greeting\_greeting
- ۲۴- Asserting Format
- ۲۵- Clarification Sequence
- ۲۶- Graping
- ۲۷- Reformulation
- ۲۸- Pre\_announcement Sequence
- ۲۹- Blocking response
- ۳۰- Indirect Speech Act

#### ■ فهرست منابع

- امیری، ملک ابراهیم. (۱۳۷۹). مکالمات (گفتگو با اکبر رادی). تهران: ویستار.
- رادی، اکبر. (۱۳۸۳). روی صحنه ی آبی. ج ۲. تهران: قطره.
- زاهدی، زریندخت. (۱۳۸۷). اکبر رادی و ایسن، فصلنامه هنر. شماره (۷۵). صص ۴۶\_۵۶.
- شریف نسب، مریم، رون، مهسا. (۱۳۹۰). تحلیل ساختاری نمایشنامه های اکبر رادی (دهه چهل

- و پنجاه). سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). شماره (اول). صص ۴۱-۶۴.
- محمودی بختیاری، بهروز، حسینی، سید مصطفی (۱۳۹۱). بررسی نوبت‌گیری و کنش‌های گفتاری در نمایشنامه آهسته با گل سرخ با تکیه بر مطالعات سبک‌شناسی درام. نشریه هنرهای زیبا. شماره (۷)، صص ۵۳-۶۰.
- یحیی پور، مرضیه، صادقی، زینب. (۱۳۸۹). سایه‌ی انتون چخوف بر ادبیات نمایشی معاصر ایران (براساس نمایشنامه‌های انتون چخوف و اکبر رادی). پژوهش‌های زبان‌های خارجی. شماره (۵۷)، صص ۱۵۱-۱۶۷.
- یول، جرج (۱۳۸۷). کاربرد شناسی زبان. ترجمه دکتر محمد عموزاده مهدریجی، دکتر منوچهر توانگر، تهران: سمت.
- Culpeper, J. Short, M. & Verdonk, P. (1998). *Exploring the Language of Drama* London: Routledge.
- Herman, Vimala. (1995). *Dramatic Discourse: Dialogue as Interaction in Plays*, London and New York. First Publication by Routledge.
- Hutchby, I. and Wooffitt, R. (2008). *Conversation Analysis* (second edition). Cambridge: Polity.
- Levinson, S. C. (1983). *Pragmatics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Pomerantz, A. M. (1984). "Agreeing and Disagreeing with Assessments" in
- Atkinson, M. and Heritage, J. (eds.) *Structures in Social Action: Studies in Conversation Analysis*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Richards, Jack C. and Schmidt, Richard. (2010). *Longman Dictionary of Language Teaching and Applied Linguistics* (Fourth edition). Great Britain: Longman.
- Sacks, H. and Schegloff, E. (1973). "Opening and Closing". *Semiotica*. Vol. 8, pp. 289-327.
- Sacks, H. and Schegloff, E. (1979). 'Two Preferences in the Organisation of Reference to Persons in Conversation and their Interactions' in Psathas, G. (ed.), *Everyday Language: Studies in Ethnomethodology*. New York: Irvington Press.
- Sacks, H., Schegloff, E. and Jefferson, G. (1974). "A Simplest Systematics for the Organisation of Turn-Taking for Conversation". *Language*. Vol. 50. No. 4, pp. 696-735.
- Schegloff, E. (1972). "Notes on a Conversational Practice: Formulating Place". *Sudnow, D.* (ed.). *Studies in Social Interaction*, New York: Free Press.
- Schegloff, E. A. (1968). "Sequencing in Conversational Opening". *American Anthropologist* 70.: 1075-1095.

- Schegloff, E. (2007). Sequence Organization in Interaction. Vol. 1.» A Primer in Conversation Analysis.«Cambridge: Cambridge University Press.
- Schegloff, E. A. (1980). “Preliminaries to Preliminaries: ‘Can I Ask You a Question’”.*Sociological Inquiry*. 50: 104-152.
- Short, Mick (1994). Discourse Analysis and Drama.In R.E Asher (Ed.) .The Encyclopedia of Language and Linguistics.Vol 2.Oxford:Pergamon949-952..
- Tan, Peter K. W. (1993). A Stylistics of Drama. Kent Ridge: Singapore University Press.
- Yule, George.(1996 ). Pragmatics.Oxford: Oxford University Press.